

فرد، اجتماع و شهر مطلوب از منظر علامه طباطبائی

روح‌اله عشریه^۱ حسن ستاری ساربانقلی*^۲ محمدرضا پاکدل فرد^۳ عزیز جوانپور هروی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

صفحه ۱۲۰ تا ۱۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

بی‌تردید علامه طباطبائی یکی از بزرگترین حکمای مکتب حکمت متعالیه در عصر حاضر می‌باشند که از جهتی در تبیین چهارچوب نظری و تفسیر این حکمت، بسیار کوشیده‌اند و از وجه دیگر، بسیار بر جنبه‌های اجتماعی و رابطه‌ی جامعه با فرد تفکر و تعمق کرده‌اند، که در نوع خود کم‌نظیر و قابل توجه است. وی در اکثر آثار خود به بیان چیستی و چگونگی رابطه‌ی فرد و اجتماع پرداخته که نشانگر اهمیت موضوع برای ایشان دارد. علامه معتقد است افراد و اجتماع انسانی قابل تفکیک نیستند و لازمه‌ی انسان بودن، اجتماعی بودن اوست و فرد زمانی به سعادت، تعالی و کمال می‌رسد که در جامعه و اجتماع باشد و حضور فعال در آن داشته باشد. این مهم برای تک‌تک افراد جامعه فارغ از زن و مرد بودن لازم و حیاتی است. این پژوهش با رویکردی کیفی، با استفاده از راهبرد مفهوم‌سازی داده‌بنیاد به بررسی فرد، اجتماع و شهر مطلوب از منظر علامه طباطبائی در قالب بررسی کتب تألیفی او پرداخته است. روش تحقیق به صورت کیفی و مبتنی بر استراتژی تحلیلی-توصیفی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استوار بوده است. توجه به اجتماع در عین توجه به فرد، بالطبع اجتماعی بودن انسان، توجه به عقل فردی و اجتماعی، تعاون و همکاری جامعه، نقش و جایگاه زن در جامعه و حرکت جمعی در جهت رسیدن به کمال در میان شهروندان از موارد خاص مورد توجه این فیلسوف شهیر در باب فرد، اجتماع و شهر مطلوب بوده است. تأکید عمده اجتماع و شهر مطلوب در تفکر این اندیشمند، ناظر بر سیر ارتقای توجه به زندگانی مادی و معنوی شهروندان و توجه کافی به امور روحانی و معنوی در فضاهای شهری می‌باشد.

واژگان کلیدی: شهر مطلوب، اجتماع، سعادت فردی، علامه طباطبائی، حکمت متعالیه

^۱ دانش‌آموخته دکتری شهرسازی، گروه معماری، واحد بین‌الملل تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۲ دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) sattari@iaut.ac.ir

^۳ استادیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۴ دانشیار گروه الهیات، فلسفه و کلام اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۱. مقدمه

می‌بایست در جامعه حضور فعال داشته باشند و هرکسی به‌قدر توان خویش در تحقق عدل بکوشد (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۰). از نظر ملاصدرا، جامعه انسانی جامعه‌ای است که بااراده‌های آزاد افراد انسانی پدید می‌آید (حسنی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). درجه و اهمیت تعالی انسان در فعل، تعالی آزادی است (خاتمی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). خودشناسی و علم نفس، کلید همه‌ی علوم است (ملاصدرا، ۱۳۸۹: ۸). جامعه سالم و الگو، جامعه‌ای است که در آن هرکسی مانند اعضای بدن کار مخصوص خود را انجام دهد و در کار دیگران دخالت نکند که این امر با تمرین و ممارست به‌دست می‌آید. انسان مدنی بالطبع است لذا باید در اجتماع و جامعه زندگی کند تا به کمال مطلوب خود برسد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴۹۱). از متأخرین، مطهری معتقد است که مجموعه‌ی افراد انسانی که با نظامات، سنن و آداب و قوانین خاص پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند را جامعه می‌گویند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۳۱).

۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

در سیر اندیشه‌های نظام برنامه‌ریزی شهری معاصر غربی شاهد آن هستیم که نظام سرمایه‌داری با اعمال نظریات خاص خویش، جامعه غربی را دچار بحران کرده تا جایی که دیوید هاروی معترضانه اعلام می‌دارد: بی‌شک گزینه دیگری هست، بی‌شک گزینه‌ای در مقابل سرمایه‌داری وجود دارد و می‌توانیم این گزینه را در حق به شهر بباییم (Sugranyes & Mathivet, 2010: 13). او به مقابله با اندیشه‌ای می‌رود که سببه‌ای طولانی بر نظام شهری غربی دارد زیرا قبل از او فریدمن اعلام می‌کند که شهرهای جهانی به‌عنوان مراکز کنترل، انباشت و در نهایت دستیابی به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی سازمان‌یافته‌اند (پورموسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶). این شهرها با ابزار قدرت و ثروت ریال نقش تعیین‌کننده‌ای در نظم برنامه‌ریزی شهری ایفا کرده‌اند اما رفته‌رفته با فعالیت‌های

هر جمع و تمدنی بر اساس ساختارش به مبانی نظری علم خویش می‌پردازد که این مهم به‌صورت عقلانی، در فلسفه تجلی می‌یابد اما باورها و اعتقادات نیز در این امر بسیار اثرگذار هستند. آنچه مسلم است این است که مبادی هر علم در فلسفه بحث، طرح و تأیید می‌گردد و در اینجا نیز این وظیفه بر دوش فلاسفه است که مشخص نمایند که جامعه چیست و اجتماع مطلوب کدام است. فلاسفه‌ی اسلامی با استفاده از قرآن، سنت پیامبر و اقوال ائمه اطهار به تبیین چیستی اجتماع و شهر مطلوب پرداخته‌اند. در بدو امر، فارابی تلاش نمود تا با استفاده از اندیشه‌ی فلاسفه‌ی یونان و آموزه‌های دینی، در جهت بیان چیستی جامعه‌ی مطلوب پرداخت (الفاخوری، ۱۳۶۷: ۴۴۶)؛ وی معتقد بود سعادت در گرو کسانی است که شایستگی دانش را داشته باشند و هر کس به‌اندازه‌ی سهم‌اش از دانش، در حکمرانی و وظایف اجتماعی باید نقش‌آفرینی کند (فارابی، ۱۳۷۶: ۱۹۶ و ۲۱۸).

پس از او خواجه‌نصیرالدین طوسی معتقد است که: اجتماع، بی‌معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت بی‌اجتماع محال است. پس نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع؛ و این نوع اجتماع را که شرح دادیم تمدن خوانند و تمدن مشتق از مدینه بود و مدینه موضع اجتماع اشخاصی است که به انواع حرفه‌ها و صناعت‌ها تعاونی که سبب تعیش بود، زندگی می‌کنند (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۴: ۲۵۱). از بیان وی پیداست که خواجه نصیر انسان را موجودی بالطبع مدنی می‌داند و تعاون و تفاهم او را در پیدایش جامعه مهم می‌شمرد و کسانی را که به عزلت و انزوا روی آورده و از معاونت خلق احتضار می‌کنند دور از فضل قلمداد می‌نماید نیز از همین برداشت فلسفی او ناشی می‌شود. در حکمت مدنی موردنظر خواجه نصیر تمامی طبقات اجتماعی

که دین‌باوری، ملت‌محوری، مساوات و عدالت، احترام و مدارا، مشارکت فعالانه و تأمین پایدار منافع از اصول اصلی فکری او می‌باشند. به‌طور کلی اندیشه‌ی محلاتی را مبتنی بر نگرش مردم‌سالاری دینی می‌دانند.

سروری مجد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد فرهنگ در جامعه‌ی آرمانی قرآنی» می‌گوید که قرآن به همراه معصومین راه جامعه‌ای آرمانی را نشان داده‌اند که تمام جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ اما رسیدن به این جامعه الزاماً باید تحت نظر معصوم و ولایت الهی باشد.

خلیلیان اشکذری (۱۳۸۷) تحت پژوهشی با نام «شاخص‌های توسعه انسان‌محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام» معتقد است که توسعه‌ی اقتصادی موردی نظر اسلام، انسان‌محور است اما انسان‌محوری که متناسب با اصول اسلام و نه نگاه غربی است. در نگاه ایشان، این انسان‌محوری علاوه بر تأمین نیازهای مادی، توجه اصلی‌اش به نیازهای معنوی می‌باشد. هدف اصلی این جامعه نیز رسیدن انسان به مقام خلیفه خداوند می‌باشد. باید خاطر نشان ساخت که تاکنون به‌صورت مستقیم بر روی فرد، اجتماع و شهر مطلوب در اندیشه‌ی علامه طباطبائی پژوهشی مستقل صورت نگرفته لذا پژوهش حاضر می‌تواند گام نخست در راه رسیدن به این مهم باشد.

۴. مبانی نظری و فکری علامه طباطبائی

الف) اصالت وجود: علامه طباطبائی در تکمیل این مطلب اضافه می‌کند که وجود را می‌توانیم از ماهیت صلب کنیم (طباطبائی، ۱۳۹۱: ۲۴)

ب) حرکت جوهری: در باب حرکت جوهری علامه طباطبائی معتقد است که تغییر در تغییر خود ثابت است و اگر در آن متغیر بود به ثابت تبدیل می‌شود. موجودات مادی که متغیر و حادث زمانی هستند حرکت جوهری دارند و باوجودی سیال موجوداند

هانری لفور و دیوید هاروی، اندیشه‌های جدیدی پیرامون عنوان کلی «حق شهر» شکل گرفت که خواهان حضور و مشارکت مردمی در تصمیمات شهری بودند. متأسفانه در ایران نیز به دلیل فقدان توجه به نظام تفکر فلسفه اسلامی و اندیشه‌های متناسب با فرهنگ و اجتماع و پیروی از اصول فکری غربی، نظام برنامه‌ریزی شهری بین دوگانه‌ی سنت و مدرنیته از یک‌سو و ورود اندیشه‌های ناهمگون از سوی دیگر دچار آشوب و بالاتکلیفی شده که راه‌هایی در این پژوهش رجوع به حکمت متعالیه به‌عنوان عظیم‌ترین سرمایه‌ی فکری-فلسفی بومی می‌باشد.

۳. پیشینه‌ی تحقیق

بر اساس مرور صورت گرفته توسط نگارندگان، مقالاتی پیرامون مفاهیم فکری و فلسفی ملاصدرا، علامه طباطبائی به شرح ذیل انجام شده:

در باب آرمان‌شهر و اندیشه‌های ملاصدرا می‌توان به مقاله محمودی و همکاران (۱۳۹۷) تحت عنوان «چیستی آرمان‌شهر شیعی در آرای ملاصدرا و آیت‌الله جوادی آملی» اشاره کرد. ایشان ابراز داشته‌اند که آرمان‌شهر شیعی بر محور اندیشه‌ی این اندیشمندان، خادم‌محور می‌باشد و هدف نهایی آن، سوق دادن انسان به جایگاه اصلی خویش که همانا خلیفه‌ی خدا بودن انسان بر روی زمین است می‌باشد.

محمدی کیا (۱۳۹۷) طی مقاله‌ای پژوهشی با عنوان شهر مطلوب غزالی، آرمان‌شهری برای مدارا معتقد است که شهر مطلوب غزالی بر پایه‌ی جایگاه‌های روشنی برای حاکمان خصوصاً سیاستمداران و زمامداران، متولیان دین و مردم می‌باشد که همه برای رسیدن به سعادت تلاش می‌کنند. سعادت که از دل معرفت بیرون می‌آید و شریعت در این میان نقش محوری را بازی می‌کند.

توانا و علی پور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌ی سیاسی مطلوب در اندیشه شیخ محمد اسماعیل محلاتی» بیان داشته‌اند

است که ماهیت مجرده‌اش برای چیزی حاصل شود (طباطبائی ج ۲، ۱۳۸۸ الف: ۱۲۸-۱۲۹).

جدول ۱. برخی تعاریف از منظر علامه طباطبائی (مأخذ: نگارندگان)

| نام | علامه طباطبائی |
|-------------|--|
| تعریف حکمت | اصابه حق و رسیدن به آن، به وسیله علم و عقل است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵۳۴) |
| موضوع حکمت | جدا کردن موجودات غیرحقیقی از حقیقی (طباطبائی، ۱۳۹۱: ۱۹) |
| تعریف فلسفه | بحث استدلالی در زمینه حقیقت پدیده‌ها (طباطبائی، ۱۳۵۲: ۲۱) |
| موضوع فلسفه | بحث در باب موجود به ماهو موجود (طباطبائی، ۱۳۹۱: ۱۸) |
| تعریف حکیم | هیچ عملی از وی از جهل و گزاف ناشی نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۴۴۴) |
| تأله | شناخت معارف الهی (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۹۰) |

جدول ۲. خلاصه مبانی فکری و مبنای حکمت علامه طباطبائی (مأخذ: نگارندگان)

| موضوع اندیشه | آراء علامه طباطبائی |
|-----------------------------|--|
| اصیل و اعتباری | مفاهیم اعتباری هیچ‌گونه حدی ندارند. مفاهیمی که بر بیش از یک مقوله حمل شوند اعتباری هستند ولی اصیل آن چیز است که در خارج تحقق دارد. |
| علم حضوری | علم به خود را علم حضوری گویند. علم به ذاتی که هیچ‌گاه از آن غافل نمی‌شویم. علم به ذات غیر از حضور مفهومی ماهیت ما در ذهن به‌طور علم حضوری است. |
| اصالت وجود و اعتباریت ماهیت | وجود نه جنس دارد نه فصل نه عرض خاص. ماهیت جواب چیستی از شی است. ماهیت به‌خودی‌خود نسبت به وجود و عدم علی‌السواء است. اصالت باوجود است. ماهیت امری است اعتباری. |
| حرکت جوهری | حرکت یعنی یک نحو وجود تدریجی یک‌چیز. جوهری که در ذات و جوهرش حرکت می‌کند در همه‌ی عوارض نیز حرکت می‌کند زیرا اعراض تابع جواهرند. |
| تشکیک وجود | وجود یک حقیقت ذو مراتب است زیرا کمالات حقیقی گوناگونی در خارج داریم که اوصاف متفاوت دارند. تشکیک و مراتب داشتن فقط در حقیقت وجود است. |

جدول ۳. خلاصه مبانی فکری و مبنای حکمت علامه طباطبائی (مأخذ: نگارندگان)

| موضوع اندیشه | آراء علامه طباطبائی |
|--------------|--|
| کمال و سعادت | تحصیل تمام کمالات برای فرد به تنهایی مقدور نیست لذا باید در اجتماع اتفاق افتد. کمال انسان در نزدیک شدن |

و سیال در سیلان خود ثابت می‌باشد (طباطبائی ج ۲، ۱۳۸۸ ب: ۱۱۶)

ج) تشکیک وجود: علامه طباطبائی در باب تشکیک وجود معتقد است: واقعیات خارجی متصف به کثرت می‌شوند، یک کثرت از آن جهت است که بعضی موجودات، انسان‌اند، برخی حیوان و برخی نبات و مانند آن‌ها. این کثرت ماهوی است. کثرت دیگری نیز وجود دارد که به دلیل انقسامانی که بر خود وجود عارض می‌گردد، تحقق می‌یابد چون وجود بسیط است و غیر عددی ندارد لذا شدت و ضعف می‌یابد (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۷۸-۷۹)

د) کمال و سعادت: از نظر علامه طباطبائی، سعادت فرد در سعادت جامعه است (طباطبائی، ۱۳۳۹: ۱۰۴) و دنیا برای سعادت انسان خلق شده (طباطبائی، ۱۳۳۹: ۱۰۶)

ه) انسان‌شناسی: علامه طباطبائی در این‌جا معتقد است که انسان به‌تنهایی قادر نیست به تحصیل تمام کمالات خود نائل شود لذا مجبور به تعاون، تمدن و شهرنشینی می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۶۱: ۴۵) و اظهار می‌دارد که انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است (طباطبائی، ۱۳۹۱ ب: ۴۸) علاوه بر این‌ها انسان باید منافع خود را در ضمن منافع جامعه بخواهد و از کار و کوشش خود، بهره‌برداری جامعه را در نظر بگیرد (طباطبائی، ۱۳۸۷ الف: ۲۲۲)

و) نفس و بدن: علامه طباطبائی معتقد است روح بعد از الحاق به بدن و واجدیت اعضای آن، صاحب قوه‌ی صامعه و باصره و متفردی عاقله می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۱: ۲۰) و علاوه بر روح عموم مردم، روحی نیز هست که مختص مؤمنین است که آن را روح ایمان نامیده‌اند (طباطبائی، ۱۳۶۱: ۲۳)

ج) اتحاد عاقل و معقول: علامه طباطبائی از آن‌جا شروع می‌کند که ذات هر موجود، جوهری مجرد از ماده برای خود او معلوم است، زیرا ذاتش برای خود، حاصل است و عاقل، موجودی است که برایش ماهیت مجرده چیزی حاصل شده و معقول موجودی

تردید نیست (طباطبائی، ۱۳۸۸ ج: ۱۰۵) و انسان در صورتی می‌تواند به کمالات نوعی خود برسد و در زندگی سعادت‌مند شود که با سایر افراد تشکیل اجتماع دهد و در انجام اعمال حیاتی که انواع و اقسام بسیاری دارد یک فرد به‌تنهایی نمی‌تواند همه آن‌ها را انجام دهد با دیگران همکاری نماید (طباطبائی، ۱۳۸۸ ب: ۲۲۵) از دلایل این نظر این است که دامنه زندگی آدمی میدان وسیعی است که یک نفر نمی‌تواند به همه‌کاره‌ای این فراخای وسیع پردازد؛ و از اینجاست که احتیاج به اجتماع تعاونی و همکاری‌های اجتماعی را احساس می‌کند (طباطبائی، ۱۳۸۸ ب: ۲۳۹)

ب) اجتماع و روابط اجتماعی: از نظر علامه طباطبائی، هر فرد انسانی، فطرتاً اجتماعی است (طباطبائی، ۱۳۹۱ ب: ۴۸). هر اجتماعی باهدف و غرض واحدی که مشترک بین همه افراد مختلف باشد به‌وجود می‌آید. هدف، روح واحدی است که در همه جوانب جامعه مساوی و با هرکدام به‌نحوی متحد است (طباطبائی، ۱۳۹۱ ب: ۸۲) و وظیفه افراد اجتماعی نسبت به جامعه همان وظیفه اعضای انسان است، یعنی آدمی باید منافع خود را در ضمن منافع جامعه به‌خاطر و از کار و کوشش خود، بهره‌برداری جامعه را در نظر گیرد (طباطبائی، ۱۳۸۷ ب: ۲۲۲ ج) حکومت، حاکم و شرایط حاکم: علامه طباطبائی بیشتر نظر به چیستی و چگونگی حکومت دارد. وی بر آن است که: اداره امور جامعه و امت اسلامی و اقامه دین اسلام پس از پیغمبر که یک والی برگزیده خدایی است، به خود امت راجع است، امت با مراعات جانب صلاح، می‌تواند هر که را بخواهد برای اداره امور خود انتخاب کند و در کرسی خلافت بنشاند و البته در این صورت، هر صلاح و فسادای که مقام خلافت تشخیص دهد، معتبر و همان تشخیص خود جامعه است و مقام خلافت بحث به صلاحدید خود، هر دخل و تصرفی را در قوانین جاریه بنماید، جایز و نافذ است (طباطبائی، ۱۳۸۷ الف: ۷۸-۷۹). سرپرستی امور دین و دنیای جامعه اسلامی را «امامت» می‌نامیم و شخص

| | |
|---|--|
| به خداوند است. انسان دارای کمال مخصوص خود می‌باشد که در رسیدن به آن هدایت می‌شود. | |
| انسان‌شناسی | جامعه بالاتر از فرد است. هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است. منافع فرد از منافع اجتماع جدا نیست. زندگی انسان پایان‌پذیر نیست و نامحدود است. انسان در عالم مثال در زمره‌ی پاکان و فرشتگان است. |
| نفس و بدن | نفس جوهری است که ذاتاً مجرد است لیکن در مقام عمل تعلق به ماده دارد. دلیل وجود نفس این است که ما در خودمان علم‌داریم و ادراک می‌یابیم و خصوصیت علم این است که مجرد از ماده است. روح غیر از بدن است. |
| اتحاد علم، عاقل و معقول | حصول علم برای ما یعنی حصول معلوم برای ما زیرا علم عین معلوم بالذات است و حصول علم برای عالم معنایی جز اتحاد عالم و معلوم ندارد چه حصولی و چه حضوری. |
| وجود رابطی | تحقق وجود رابط میان دو چیز موجب یک نوع اتحاد وجودی میان آن‌ها می‌گردد. وجود رابط دودسته‌اند یکی رابط‌های قائم به یک‌طرف و دیگری قائم به دو طرف |

۵. روش پژوهش

در این پژوهش در رویکردی توصیفی و تحلیلی در پی روش تحقیق اکتشافی تلاش شده‌است تا به مفهوم و چیستی فرد، اجتماع و شهر مطلوب از منظر علامه طباطبائی پرداخته شود. روش تحقیق به‌صورت تحلیلی-توصیفی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای آثار حکیم، علامه طباطبائی می‌باشد.

هدف پژوهش، تبیین فرد، اجتماع و شهر مطلوب از منظر علامه طباطبائی می‌باشد که دارای اصول و راهکارهای ویژه و خاصی در بُعد شهرسازی بوده که به‌کارگیری هوشمندانه آن‌ها، می‌تواند تأثیر مثبتی بر ابعاد حیات مادی و معنوی شهر و شهروندان داشته باشد و نظام فکری منسجمی را در جهت مقابله با تهاجمات فرهنگی غربی، متناسب با عرف و سنن ایرانی-اسلامی ارائه کند.

۶. یافته‌های تحقیق

الف) افراد اجتماع: علامه فرد را از اجتماع جدا نمی‌داند لذا می‌گوید: در این که نوع انسان در خارج اجتماعی است و پیوسته در حال اجتماع و دسته‌جمعی زندگی کرده و می‌کند و افراد دست‌به‌دست همدیگر داده با تعاون به رفع حوائج می‌پردازند

| |
|---|
| دخالت مرد اداره نماید و از مال و حقوق فردی و اجتماعی خویش دفاع نماید و می‌تواند بر نفس یا ضرر دیگران شهادت دهد. اسلام زن را جزء حقیقی و عضو کامل جامعه انسانی قرار داده و از اسارت بیرون آورده و آزادی اراده و عمل به وی بخشید. |
|---|

جدول ۶. نظرات و دیدگاه‌های مهم علامه طباطبائی پیرامون مبانی نظری شهری؛ مأخذ: نگارندگان

| اندیشه | نظر علامه طباطبائی |
|----------|---|
| دموکراسی | امت با مراعات جانب صلاح، می‌تواند هر که را بخواهد برای اداره امور خود انتخاب کند و در کرسی خلافت بنشاند |
| قانون | آن چیزی که با محدود کردن اراده و کار افراد، مزاحمت و زد و خورد را میان مردم برمی‌دارد و خواست و عمل آن‌ها را تعدیل می‌کند. حقیقت قوانین عمومی عبارت است از یک سلسله صورت‌های ذهنی و یکسری دانستنی‌هایی که در سینه‌های مردم ثبت است که وقتی اراده انسان به آن‌ها تعلق گرفت، به مرحله عمل درمی‌آید و محسوس می‌گردد. |

۷. تحلیل یافته‌های پژوهش

با بررسی و تقسیم‌بندی آراء این فیلسوف حکمت متعالیه به نظر می‌رسد اصل اول از اصول اساسی در برنامه‌ریزی شهری و نظام شهر مطلوب حکمت متعالیه بر مبنای حاکمیت جمع، مالکیت مشاع، توجه به فرد و اجتماع به صورت هم‌زمان و حرکت جامعه شهری به سمت تکامل و تعالی می‌باشد. اصل بعدی در اندیشه این فرزانه، فرد به نظر می‌رسد. فرد از جامعه جدا نیست و ساختار جامعه از جزء به کل می‌باشد. یعنی تاثیرگذاری فرد بر جامعه بسیار بالاست و از اهمیت ویژه برخوردار. جامعه و شهر، بدون فرد معنا و هویت ندارد و اهم مفهوم شهر، فرد است. این‌جا فرد، اعم است از زن و مرد. در نگاه این فیلسوف وارسته، زنان دارای استقلال در عمل به معنای واقعی هستند و باید نقش آن‌ها در اداره و حضور در جامعه به میزان حقیقی خود برسد و نباید از آن کاست. زنان همچون مردان حق رای دادن، مدیریت، کار و خلق ثروت اند و در این امور، باید به‌عنوان فرد مستقل در نظر گرفته شوند. از سوی دیگر اساس بعد، روابط میان فردی است که تعیین‌کننده نظام شهریست. پس از این‌که شخصیت فرد در جامعه، شکل یافت باید روابط میان فردی نیز نظام‌مند گردد تا

سرپرست و پیشوا «امام» نامیده می‌شود. «شیعه» معتقد است که پس از درگذشت پیامبر، از جانب خدای متعال باید امامی برای مردم تعیین شود که حافظ و نگهبان معارف و احکام دین باشد و مردم را به راه حق هدایت کند (طباطبائی، ۱۳۸۷ ب: ۱۴۹-۱۵۰). مسلم است علمای امت، هرچه ساله و باتقوا هم باشند از خطا و معصیت مصون و معصوم نیستند و تباه شدن یا تغییر یافتند برخی از معارف و قوانین دینی از ناحیه آنان، گرچه غیرعمدی باشد، محال نیست. بهترین شاهد این مطلب وجود مذاهب گوناگون و اختلافی است که در میان ادیان به وجود آمده است (طباطبائی، ۱۳۸۷ ب: ۱۵۱)

جدول ۴. نظرات و دیدگاه‌های مهم علامه طباطبائی پیرامون روابط فردی و اجتماعی در شهر (مأخذ: نگارندگان)

| اندیشه | نظر علامه طباطبائی |
|------------------------|--|
| افراد اجتماع | نوع انسان در خارج اجتماعی است و پیوسته در اجتماع زندگی می‌کند. افراد با تعاون به رفع حوائج می‌پردازند. انسان در صورتی می‌تواند به کمالات نوعی خود برسد و در زندگی سعادت‌مند شود که با سایر افراد تشکیل اجتماع دهد. یک فرد به تنهایی نمی‌تواند همه امور را انجام دهد. |
| اجتماع و روابط اجتماعی | هر فرد انسانی، فطرتاً اجتماعی است. هر اجتماعی باهدف و غرض واحدی که مشترک بین همه افراد مختلف باشد به وجود می‌آید. هدف، روح واحدی است که در همه جوانب جامعه مساوی و با هرکدام به نحوی متحد است. وظیفه افراد اجتماعی نسبت به جامعه همان وظیفه اعضای انسان است. |

جدول ۵. نظرات و دیدگاه‌های مهم علامه طباطبائی پیرامون حکومت و مدیریت شهری

| اندیشه | نظر علامه طباطبائی |
|--------------------------|---|
| حکومت، حاکم و شرایط حاکم | امت با مراعات جانب صلاح، می‌تواند هر که را بخواهد برای اداره امور خود انتخاب کند و در کرسی خلافت بنشاند. هر صلاح و فساد که مقام خلافت تشخیص دهد، معتبر و همان تشخیص خود جامعه است. مقام خلافت بحث به صلاح دید خود، هر دخل و تصرفی را در قوانین جاریه بنماید، جایز و نافذ است. علمای امت، هرچه ساله و باتقوا هم باشند از خطا و معصیت مصون و معصوم نیستند و تباه شدن یا تغییر یافتند برخی از معارف و قوانین دینی از ناحیه آنان، گرچه غیرعمدی باشد، محال نیست. |
| زن در اجتماع | زن، استقلال عملی - اقتصادی دارد و کار و کوشش او محترم است و می‌تواند مالک شود و ثروت خویش را خود بدون سرپرستی و |

| | |
|---|---|
| شرایط مدیریت شهر که فیلسوف بودن یکی از آنهاست | نظام کنترل پیوسته‌ی مردم نه به صورت دوره‌ای بلکه به صورت همه‌روزه |
| حضور تمام افراد در تصمیم‌گیری مسائل شهری | وجود قانون حاکمیت مشاع |
| حق عزل مدیران شهری توسط مردم | مسئولان شهری به‌عنوان وکیل مردم هستند و این وکالت قابلیت عزل توسط آراء مردم را دارد |
| وجود فرآیندی منطبق با حرکت جوهری در برنامه‌ریزی شهری | مشارکت تمام مردن در امور تصمیم‌گیری و اجرایی شهر به فراخور میزان دانش و حکمت |
| واقع‌گرایی در امور شهری طبق توان فردی و شهری بر اساس اصل اصالت وجود | توجه به محیط‌زیست |
| مشارکت‌پذیری کامل و شرکت تمام اعضای شهر در راستای اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی شهری | حضور فعالانه‌ی زنان در تصمیم‌گیری و مدیریت شهری |
| نوآوری خلاقانه با توجه به اصل اصالت و روز آمد بودن | دولت به‌عنوان خادم و وکیل مردم |
| پیوستگی و انسجام برنامه‌ها بر اساس اصل تشکیک وجود | پیاده‌سازی قانون به‌نحو صحیح |

۸. نتیجه‌گیری

با نگاه به اندیشه‌های عمیق علامه طباطبائی مشخص شد یکی از اصول مهم و اصلی حکمت متعالیه، توجه و پیروی از اصل مهم حرکت جوهری در راستای نیل به تعالی می‌باشد. ایشان معتقد است که اگر بخواهیم جامعه و شهری مطلوب داشته باشیم در وهله‌ی اول باید به فرد و نقش آن در جامعه توجه کنیم؛ یعنی نگاه ایشان در امور شهری ساختار جزء به کل است. یعنی کلیدی‌ترین عنصر در شهر مطلوب، فرد است؛ لذا باید بیشترین سرمایه مادی و معنوی برای شکل‌دهی به او هزینه شود. در این راستا، زنان نیز به‌عنوان بخش مهم جامعه باید در تعاملات شهری در بخش مدیریتی حضور داشته باشند و از نظر حقوق شهروندی و اجتماعی با مردان برابری یابند. همان‌طور که زنان حق شهادت در دادگاه‌ها، کار کردن و ارث بردن را دارند باید در سایر حقوق نیز با مردان برابر باشند. انسان فارغ از این که زن باشد یا مرد، موجودیست اجتماعی

جامعه و شهر در مسیر تکامل و تعالی گام بردارد و به سعادت خود نزدیک شود. هر فرد در جامعه در راستای نیل به تعالی جمعی وظیفه‌ای دارد که این امر، او را نیز به سعادت فردی خود می‌رساند. یعنی رابطه‌ی فرد و اجتماع شهری در اندیشه‌ی علامه طباطبائی، دو سویه است و هر کدام بر دیگری تأثیر مستقیم دارد. سرانجام وقتی دو امر فوق، سامان یافت، حاکمیت و مدیریت شهری نقش خود را خواهد یافت. در نگاه این حکیم، حکمران، بدون اشتباه نیست و وظیفه‌ی مردم است که نظارت بر کار مدیر داشته باشند و او را از خطاهای احتمالی اش آگاه سازند. او بر اساس توجه به دموکراسی به‌عنوان یک اصل، معتقد است این مردم هستند که حکمرانی را انتخاب خواهند کرد و بدون تنفیذ مردم، مدیر و حاکم، صلاحیت لازم را ندارد. برای یافتن فرد لازم نیز این قانون است که راهنماست. قانون، چهارچوب عملکرد مدیر را مشخص می‌سازد و به افراد جامعه نیز چهارچوب مدیریت و نقد را نشان می‌دهد تا هم حرمت و شأن حاکم رعایت شود و انرژی و توان جامعه صرف امور خارج از محدوده‌ی لازم نشود. در تهیه‌ی قانون نیز افراد، سنن و عرف نقش تعیین‌کننده دارند. یعنی بازم فرد، نقش محوری و اصلی دارد و هر جامعه بر اساس فرهنگ خود باید عمل نماید.

در نهایت، برای حصول و پیاده‌سازی فرد، اجتماع و شهر مطلوب از منظر ایشان باید ابزارها و فعالیت‌های مهم شهری مدونی تعریف نمود که موارد کلی آن‌ها به شرح زیر قابل بحث است:

جدول ۷. اصول نهایی برنامه‌ریزی شهری حکمت متعالیه؛ مأخذ: نگارندگان

| | |
|--|--|
| ابزارهای برنامه‌ریزی شهری منطبق بر آراء حکمت متعالیه | اصلی‌ترین فعالیت‌های قابل انجام در نظام برنامه‌ریزی شهری بر پایه‌ی اندیشه‌های حکمت متعالیه |
| حاکمیت مشاع | تبیین چستی اجتماع و شهر مطلوب |
| نظام اجتماع کامل | تبیین چگونگی پیاده‌سازی شهر مطلوب |
| فرآیند اداره‌ی شهر | سیستم تصمیم‌گیری در شهر بر مبنای نظریات تمام افراد |

هویت همان شهر و نمود آن در تمام سطوح شهری در جهت استكمال فرد و جامعه توجه شود.

وقتی امور فوق تحقق یافت، دیگر مدیریت شهری نیز بدون قاعده نیست و به راحتی می‌توان بر آن نظارت کرد؛ زیرا فرض مصنوع بودن مدیر و حکمران از نگاه علامه، باطل است و باید حاضر و ناظر بر اعمال او بود اما با حفظ کرامت و رعایت اخلاق. مدیر شهری باید به جامعه پا سخگو باشد و جامعه نیز در اداره‌ی شهر وظیفه‌ی کمک و همکاری دارند. همانطور که اشاره شد تمام عوامل فوق منطبق بر اصل اساسی در حکمت متعالیه یعنی حرکت جوهری می‌باشد و دائما نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی هستند زیرا جامعه با رعایت آن‌ها به سطحی از رشد و تعالی خواهد رسید و پس از آن برای رسیدن به تعالی و رشد بیشتر، قوانین و چهارچوب‌ها نیز باید تغییر یابند. در نهایت باید خاطر نشان کرد که در نگاه ایشان، هم به امور مادی و هم معنوی جامعه و افراد توجه شده و این دو امر را نمی‌توان و نباید از هم مجزا و بی‌ارتباط دانست.

پس باید در آن نقش‌آفرینی کند و در تعالی آن و خود کوشا باشد. یعنی شهر به مثابه یک متن و بستر است که هر کس بر اساس نقش خود باید در جهت استكمال آن کوشش داشته باشد که این مهم یعنی توجه به امر آموزش که از ارکان شهر مطلوب در اندیشه‌ی علامه محسوب می‌شود. بدون آموزش صحیح، جامعه نمی‌تواند به پیشرفت و تعالی برسد و در راستای آن گام بردارد.

امر مهم بعدی، چگونگی روابط میان فردی است. باید این روابط، سیستماتیک و درست تعریف شوند. هرکس باید بداند در جامعه چه وظیفه‌ای دارد و چه باید بکند تا شهر و اجتماع به سمت مطلوب خود حرکت نماید. پس باید جایگاه‌ها، نقش‌ها و وظایف در چهارچوب قانون تعریف گردند. قانونی که برگرفته از پیه‌شینه و عرف همان جامعه است نه این‌که از مناطق دیگر بدون در نظر گرفتن بستر جامعه‌ی کاربر به آنان تحمیل شود. پس توجه به اصالت منطقه از لحاظ فرهنگ، خرده فرهنگ و ریشه‌های مذهبی و سنتی هر اجتماع در جهت استكمال فرد و جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است و باید به زمینه‌گرایی بر اساس

منابع

- پورموسی، سید موسی، قورچی، مرتضی، رستمی، قهرمان، (۱۳۹۰)، تبیین ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای جهانی تأملی بر تفاوت یابی مفهومی شهر جهانی و جهان شهر، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول، صص ۴۱-۵۵
- حسنی، ابوالحسن، (۱۳۹۰)، حکمت سیاسی متعالیه، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- خاتمی، محمود، (۱۳۸۷)، اندیشه‌های صدرایی، ترجمه گروه مترجمان، نشر علم، تهران.
- رضوی، سید ابوالفضل، (۱۳۸۹)، طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیرالدین طوسی، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و دوم، شماره‌ی پیاپی ۸۵/۲، پائیز و زمستان، صص ۹۱-۱۱۶.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۳۹)، شیعه، انتشارات مکتب تشیع، قم.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۶۱)، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات صادق لاریجانی، دانشگاه الزهراء، تهران.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۰) نهایه الحکمه، ترجمه و شرح علی شیروانی، انتشارات الزهراء، تهران.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۷ الف)، رسالت تشیع در دنیای امروز، انتشارات بوستان کتاب، چاپ دوم، قم.

- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۷ ب)، تعالیم اسلام، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، قم.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۸ الف)، مجموعه رسائل، به کوشش سید هادی خسروشاهی، انتشارات بوستان کتاب، قم.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۸ ب)، بررسی‌های اسلامی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، انتشارات بوستان کتاب، قم.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۸ ج)، قرآن در اسلام، انتشارات بوستان کتاب، چاپ سوم، قم.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، تفسیر المیزان دوره‌ی ۲۰ جلدی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۱ الف)، آغاز فلسفه، ترجمه محمدعلی گرامی به کوشش هادی خسروشاهی، انتشارات بوستان کتاب، قم.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۱ ب)، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی به کوشش سید هادی خسروشاهی، بوستان کتاب، قم.
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین، (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، تهران.
- الفاخوری، حنا، خلیل الجبر، (۱۳۶۷)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه ی عبد الحمید آیتی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- فارابی، ابونصر محمد، (۱۳۷۶)، السیاسه المدینه، ترجمه حسن ملکشاهی، انتشارات سروش، تهران.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات صدرا، تهران.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۶۶)، شواهد الربوبیه، ترجمه دکتر جواد مصلح، تهران، انتشارات سروش.
- ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۸۹)، رساله سه اصل، تصحیح محمد خواجه‌جوی، انتشارات مولی، تهران.
- Alfa Houry, Hana, Khalil Al-Jar, (1988), History of Philosophy in the Islamic World, translated by Abdul Hamid Aiti, Scientific and Cultural Publications, Tehran.
- Farabi, Abu Nasr Mohammad, (1997), Al-Siyaseh al-Madinah, translated by Hassan Malekshahi, Soroush Publishing House, Tehran.
- Hasni, Abolhasan, (2018), Transcendental Political Wisdom, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization, Tehran.
- Khatami, Mahmoud, (2007), Sadra'i thoughts, translated by the group of translators, Alam Publishing House, Tehran.
- Motahari, Morteza, (2009), the collection of works of Martyr Morteza Motahari, second volume, sixth edition, Sadra Publishing House, Tehran.
- Mulla Sadra, Sadr al-Din Shirazi, (1987), Evidences of Al-Rubabiyya, translated by Dr. Javad Mosleh, Tehran, Soroush Publishing House.
- Mulla Sadra, Sadruddin Shirazi, (2009), Risalah Se Asl, proofread by Mohammad Khajawi, Moli Publications, Tehran.

- Pour Moussa, Seyed Moussa, Ghorchi, Morteza, Rostami, Kahraman, (2013), Geopolitical explanation of global metropolises, a reflection on the conceptual difference between global city and global city, *Geopolitics Quarterly*, 7th year, 1st issue, pp. 55-41
- Razavi, Seyyed Abulfazl, (2009), social classes in the view of Khwaja Nasiruddin Tusi, *Islamic Studies: Philosophy and Kalam*, 42nd year, serial number 2/85, autumn and winter, pp. 116-91.
- Sugranyes, A. & Mathivet, C. (2010). *Cities for All: Proposals and Experiences towards the Right to the City*. Santiago, Chile: Habitat International Coalition
- Sugranyes, A. & Mathivet, C. (2010). *Cities for All: Proposals and Experiences towards the Right to the City*. Santiago, Chile: Habitat International Coalition.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (2000) *Nahayeh al-Hikma*, translated and explained by Ali Shirvani, Al-Zahra Publishing House, Tehran.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (2008a), collection of letters, by Seyyed Hadi Khosrowshahi, Bostan Ketab Publishing House, Qom.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (2008b), *Islamic studies*, by Seyyed Hadi Khosrowshahi, Bostan Ketab Publications, Qom.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (2013), *social relations in Islam*, translated by Mohammad Javad Hojjati Kermani with the effort of Seyyed Hadi Khosrowshahi, Bostan Kitab, Qom.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (2013), *The Beginning of Philosophy*, translated by Mohammad Ali Garami with the efforts of Hadi Khosrowshahi, Bostan Ketab Publishing House, Qom.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (1960), *Shia*, Shia School Publications, Qom.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (1991), *Man from the beginning to the end*, translated and annotated by Sadegh Larijani, Al-Zahra University, Tehran.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (2007a), *The mission of Shiism in today's world*, Bostan Kitab Publishing House, second edition, Qom.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (2007b), *Teachings of Islam*, Bostan Kitab Publications, first edition, Qom.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (2008c), *Quran in Islam*, Bostan Kitab Publications, third edition, Qom.
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (2013), *Tafsir al-Mizan*, 20 volumes, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Islamic Publications Office, Qom.
- Tousi, Khwaja Nasiruddin, (1985), *Naseri ethics*, edited and revised by Mojtabi Minoui and Alireza Heydari, Khwarazmi Publications, Tehran.

The ideal person, community and city from the Perspective of Allameh Tabatabai

Rouhollah oshrieh¹ Hassan sattari sarbangholi*²

Mohammad Reza Pakdel Fard³ Aziz javanpuor Heravi⁴

Received: 2022/07/23 Accepted: 2022/09/14

Abstract

Undoubtedly, Allameh Tabatabai is one of the greatest philosophers of the school of transcendental wisdom in the present. he tried a lot in explaining the theoretical framework and interpretation of this wisdom, and on the other hand, has thought and meditated a lot on the social aspects and the relationship between society and the individual. It is remarkable. In most of his works, he expressed what and how the relationship between the individual and society is, which shows the importance of the subject for him. He believes that individuals and human society cannot be separated, and the necessity of being human is to be social, and a person reaches happiness, excellence and perfection when he is in society and has an active presence in it. This is important and vital for every member of the society regardless of whether they are men or women. This research with a qualitative approach, using the foundation's data conceptualization strategy, has examined the individual, society and the ideal city from the Tabatabai`s point of view in the form of reviewing his authored books. The research method was qualitative and based on analytical-descriptive strategy based on library studies. Paying attention to the community while paying attention to the individual, social nature of man, attention to individual and social reason, cooperation and cooperation of society, the role and place of women in society and the collective movement towards perfection among citizens are some of the special issues of this philosopher's attention. Famous has been favorable for the individual, the community and the city. The main emphasis of the community and the ideal city in the thinking of this thinker is to monitor the progress of improving attention to the material and spiritual life of citizens and sufficient attention to spiritual and spiritual affairs in urban spaces.

Keywords: Desirable city, Community, personal happiness, Allameh Tabatabai, Transcendent wisdom

¹ Graduated of urban design, Department of architecture, Tabriz branch, Islamic azad university, Tabriz, Iran.

² Associate Professor, Demartment of Architecture & Urbanism, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding author) sattari@iaut.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

⁴ Associate Professor, Demartment of seminary and philosophy, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.